

بررسی جامعه‌شناختی قشرهای روستایی و نظامهای حمایت از روستاییان

دکتر مصطفی لژکیا

دکتر حسین شیرزاد

پیشگفتار

مردم ساکن روستاها را با هدف تعیین نظام قشربندی اجتماعی، می‌توان به دو گروه اصلی کشاورزان و غیر کشاورزان طبقه‌بندی کرد. روستاییان شاغل در بخش کشاورزی را از لحاظ مالکیت زمین می‌توان به دو گروه کشاورز صاحب نسق زراعی (دهقان) و کشاورز بی‌زمین (زارع سهم‌بر و اجاره‌کار) طبقه‌بندی کرد.

از حدود سه دهه پیش در ادبیات جامعه‌شناسی روستایی، دهقانان را به سه زیرگروه تهیدست، میانی و غنی تقسیم‌بندی می‌کنند. این تقسیم‌بندی صوری، کم‌وبیش معادل نظام قشربندی اجتماعی دهقانان شناخته شده است. کشاورزان بی‌زمین نیز در آثار موجود بیشتر به سه گروه اجاره‌کاران، زارعان سهم‌بر و کارگران کشاورزی تقسیم‌بندی شده‌اند. کارگران کشاورزی که بخشی از گروه بزرگتر موسوم به کارگران ساده روستا به شمار می‌آیند، برحسب شغل و حرفه به تراکتورداران، دشتیان، دروگر، برزگر، خوشه‌چین، صیفی‌کار، باغبان (غارس) و کارگر زراعی تقسیم می‌شوند. بر پایه نتایج به دست آمده از آمارگیری کشاورزی سال ۱۳۷۰، از مجموع ۲۵۹۵ هزار واحد بهره‌برداری زراعی معادل ۳۳/۴ درصد تا ۲ هکتار، ۴۵ درصد از ۲ تا ۱۰ هکتار و ۲۱/۶ درصد بیشتر از ۱۰ هکتار وسعت داشته است. بدین ترتیب در سال ۱۳۷۰ بالغ بر ۳۳/۴ درصد دهقانان به قشر پایینی جامعه دهقانی، ۴۵ درصد به قشر میانی و ۲۱/۶ درصد به قشر بالای جامعه دهقانی کشور تعلق داشته‌اند.

جدول (۱) - توزیع قشرهای دهقانی در مناطق روستایی کشور

در سال ۱۳۷۰

قشر	تعداد	درصد
خرده‌پا	۸۶۹	۳۳/۴
متوسط	۱۱۶۶	۴۵
مرقه	۵۶۰	۲۱/۶
جمع	۲۵۹۵	۱۰۰

(مأخذ: سرشماری کشاورزی، ۱۳۷۰)

۱- کشاورزان خرده‌پا

بر اساس نتایج حاصل از سرشماری کشاورزی سال ۱۳۷۰ از مجموع ۲۵۹۵ هزار واحد بهره‌برداری زراعی، بالغ بر ۸۶۹ هزار واحد معادل ۳۳/۴ درصد تا ۲ هکتار وسعت داشته است. این گروه از بهره‌برداران را می‌توان در شمار دهقانان خرده‌پا دانست و به همین سبب آنان را از جمله قشرهای آسیب‌پذیر روستایی تلقی کرد.

۲- کشاورزان نیمه مرقه

بر پایه سرشماری کشاورزی سال ۱۳۷۰ از مجموع واحدهای بهره‌برداری زراعی کشور در سال ۱۳۷۰ بالغ بر ۱۱۶۶ هزار واحد معادل ۴۵ درصد از ۲ تا ۱۰ هکتار وسعت داشته است و از این تعداد ۲۶ درصد واحدهای بهره‌برداری از ۲ تا ۵ هکتار ۱۹ درصد از ۵ تا ۱۰ هکتار زمین در اختیار داشته است.

۳- کشاورزان مرقه

بنابر نتایج سرشماری سال ۱۳۷۰ از مجموع واحدهای بهره‌برداری زراعی کشور بالغ بر ۵۶۰ هزار واحد معادل ۲۱/۶ درصد از ۱۰ تا یکصد هکتار و بیشتر وسعت داشته است. بهره‌برداران کشاورزی واحدهای بیشتر از ۱۰ هکتار در قشر بالای جامعه دهقانی قرار دارند.

۴- قشرهای دهقانی و تشکلهای کشاورزی

بخشی از قشرهای اجتماعی روستایی در تشکلهای کشاورزی عضویت دارند. از این رو ایجاد ارتباط بین صندوق بیمه اجتماعی یا هر سازمان مسئول بیمه اجتماعی روستاییان با این نوع تشکلهای ضروری می‌نماید.

بر پایه آخرین آمارها تا سال ۱۳۷۸ تعداد ۶۹۸ تعاونی تولید کشاورزی با زیربوشش قرار دادن ۶۵ هزار و ۵۲۱ خانوار روستایی ساکن در ۲ هزار و ۶۶۷ روستا و با در اختیار داشتن بیش از ۱/۹ میلیون هکتار از زمینهای کشاورزی در مناطق روستایی تشکیل شده بود. همچنین تعداد ۷ هزار و ۳۵ تعاونی کشاورزی با یکصد هزار و ۲۴۸ عضو و ۱۳۰ هزار و ۲۳۷ نفر شاغل تا سال ۱۳۷۸ بوسیله وزارت تعاون و تا اوایل سال ۱۳۸۰ تعداد یکهزار و ۸۲۶

جدول (۲) - شاغلان و بیکاران در بخش کشاورزی و دامپروری (۱۳۷۹)

نوع واحدهای زراعی جمعی و گروهی	تعداد واحد	تعداد خانوار	درصد نسبت به تعاونی
تعاونی های تولید روستایی تحت پوشش وزارت جهاد کشاورزی	۶۹۸	۱۴۵۲۵۱	۱۱/۵
تعاونی های تولید کشاورزی تحت پوشش وزارت تعاون	۷۰۳۵	۱۰۰۲۴۸	۷/۹
تعاونی های کشاورزی تحت پوشش سازمان مرکزی تعاون روستایی	۱۸۲۶	۹۲۵۳۱۷	۷۳/۲
شرکتهای سهامی زراعی	۴	۳۰۴۸	۰/۵
تعاونی های تولید مشاع	۱۲۳۹۹	۸۷۲۴۳	۶/۹
جمع	۲۱۹۶۲	۱۲۶۱۱۰۷	۱۰۰

(باخذ: اداره کل آمار و اطلاعات وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۷۹).

و ۱۴۳ خانوار روستایی کشور بالغ بر ۲ میلیون و ۶۲۰ هزار خانوار معادل ۶۲/۷ درصد دارای نسق زراعی و یک میلیون و ۶۳۶ هزار و ۱۴۳ خانوار معادل ۳۷/۳ درصد بی زمین زراعی بوده اند.

۶- کارگران روستا

بر پایه نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۷۵، بالغ بر ۸۰/۹ درصد (۴ میلیون و ۶۲۳ هزار نفر) از شاغلان ۱۰ ساله و بیشتر در نقاط روستایی مزد و حقوق بگیر بخش خصوصی و ۱۵/۸ درصد (۹۰۵ هزار نفر) مزد و حقوق بگیر بخش عمومی بوده اند که بر اساس تعریف، گذشته از کارکنان دولت (معلمان، مروجان، کارکنان مراکز خدمات بهداشتی، کارکنان پست و مخابرات و مراکز خدمات کشاورزی و غیره) مشتمل بر کارکنان کارگاههایی است که از لحاظ بودجه خود کفاهستند ولی زیر نظارت دولت قرار دارند. در همین سال حدود ۰/۳۵ درصد (۲۰ هزار نفر) در بخش تعاونی فعالیت داشته اند. بر همین اساس ۸۸۹ هزار و ۳۸ خانوار روستایی، کسانی هستند که در بخش خصوصی مشغول و دارای

تعاونی کشاورزی با ۹۵۲ هزار و ۳۱۷ عضو در زمینه های مختلف فعالیت داشته اند.

ضمناً بر پایه همین آمارها، شمار کارکنان مزد و حقوق بگیر شاغل در انواع دامداری ها، گاو داری ها، مرغداری ها و ... مستقر در مناطق روستایی ۶۹ هزار و ۹۸۲ نفر است.

۷- غیر کشاورزان

بخش مهمی از کل جمعیت خوش نشینان ساکن روستا را غیر کشاورزان تشکیل می دهند. در جامعه شناسی روستایی این گروه مشتمل بر کسانی است که فاقد نسق زراعی باشند. غیر کشاورزان از دو گروه اصلی «سوداگران روستا» مرگب از سلف خران، پبلهوران، مغازه داران و نزولخوران و کارگران روستا شامل قالی بافان و دیگر بافندگان، کارگران کارخانه ها و کارگران ساختمانی تشکیل شده اند. دامداران بی زمین و آب زراعی و کارمندان دولت ساکن روستاها را نیز باید جزو غیر کشاورزان (خوش نشینان) به شمار آورد. بر پایه نتایج آمارگیری زراعت در سال ۱۳۷۰ از کل ۴ میلیون و ۲۵۶ هزار

جدول (۳) - شاغلان ۱۰ ساله و بیشتر بر حسب وضع شغلی و جنس در نقاط روستایی؛ سرشماری ۱۳۷۵

(هزار نفر)

وضع شغلی	مرد وزن	مرد	زن	تعداد خانوار
جمع	۵۷۱۱	۴۹۴۵	۷۶۶	-
بخش خصوصی	۴۶۲۳	۳۹۶۱	۶۶۲	۸۸۹۰۳۸
کارفرمایان	۱۴۲	۱۳۵	۷	۲۷۳۰۸
کارکنان مستقل	۲۶۲۷	۲۴۰۸	۲۱۹	۵۰۵۱۹۲
مزد و حقوق بگیران	۱۱۸۷	۱۰۶۸	۱۱۹	۲۲۸۲۶۹
کارکنان فامیلی بدون مزد	۶۶۷	۳۵۰	۳۱۷	۱۴۷۰۳۸
مزد و حقوق بگیران بخش عمومی	۹۰۵	۸۳۴	۷۱	۳۸۴۶
مزد و حقوق بگیران بخش تعاونی	۲۰	۱۵	۵	۳۱۱۵۴
اظهار نشده	۱۶۲	۱۳۵	۲۷	-

(باخذ: سالنامه آماری کشور، ۱۳۷۶).

دارند. در سواحل جنوب کشور، وضع کاملاً متفاوت است و فقر جغرافیایی و تنگناهای اقلیمی بویژه در استان‌های سیستان و بلوچستان، هرمزگان و بخش مهمی از استان بوشهر وجود دارد. برپایه نتایج سرشماری صیادان کشور در سال ۱۳۶۸ جمعاً ۵۲ هزار و ۵۳ نفر در بخش شیلات کشور اشتغال داشته‌اند که از این تعداد حدود ۱۰ هزار نفر در سواحل شمال کشور و حدود ۴۳ هزار نفر در سواحل جنوب کشور کار می‌کرده‌اند.

۹- خانوارهای دارای سرپرست زن

در جامعه روستایی به چند علت مهم، خانوارها زیر سرپرستی زنان قرار می‌گیرند. از جمله علتها، مرگ همسر (مرد) است که شمار این گونه موارد در سال ۱۳۷۰، ۱۹۱۰ هزار و ۹۸۱ مورد بوده است. دسته دیگر خانوارهایی هستند که بر اثر طلاق، به سرپرستی زنان اداره می‌شوند و سرانجام دسته سوم خانوارهایی هستند که به علت مهاجرت فصلی یا موقت (داخلی یا خارجی) مردان، سرپرستی خانوار بر عهده زنان قرار می‌گیرد که تعداد این نوع خانوارها در استان‌های محروم و آبادی‌های مناطق مرزی کشور قابل توجه است. براساس آمارگیری جمعیت در سال ۱۳۷۰ از مجموع ۷ میلیون و ۶۴۵ هزار و ۷۵۱ نفر زن ۱۰ ساله و بیشتر ساکن در نقاط روستایی کشور جمعاً ۴ میلیون و ۶۹۲ هزار و ۵۵۰ نفر معادل ۶۱/۳ درصد، دستکم یک بار ازدواج کرده‌اند. از این تعداد مجموعاً ۴۸۳ هزار و ۷۷۳ نفر معادل ۱۰/۳ درصد کل زنان ازدواج کرده به علت مرگ همسر (۹۵ درصد) یا طلاق (۵ درصد) بیوه بوده‌اند. بر پایه نتایج عمومی آمارگیری جمعیت در سال ۱۳۷۰ از کل زنان بیوه ۱۰ سال و بیشتر ساکن در نقاط روستایی کشور فقط ۵/۷ درصد شاغل، ۲/۲ درصد جوای کار، ۴ درصد بازنشسته و از کار افتاده بوده و ۶۵/۵ درصد به خانه‌داری اشتغال داشته‌اند.

مشاغل غیردولتی هستند. کارکنان مستقل، بیشترین سهم را از نیروی شاغل در بخش خصوصی مناطق روستایی به خود اختصاص داده‌اند، به گونه‌ای که حدود ۵۶/۸ درصد از شاغلان بخش خصوصی را شامل می‌شوند.

از مجموع ۸۸۹ هزار و ۳۸ خانوار روستایی شاغل در بخش خصوصی ۵۰۵ هزار و ۱۹۲ خانوار جزو کارکنان مستقل هستند که بیشترین سهم را در بر می‌گیرد. در همین سال ۱۴۷ هزار و ۳۸ خانوار روستایی نیز در بخش عمومی (دولتی) فعالیت داشته‌اند.

۷- چوپانان

چوپانان از جمله محروم‌ترین و آسیب‌پذیرترین گروه‌های اجتماعی ساکن روستاهای کشور هستند که خودشان دام ندارند و به نگهداری دام دیگران مشغولند. براساس نتایج آمارگیری کشاورزان در سال ۱۳۶۷ می‌توان پذیرفت که ۱۰/۸ درصد این واحدها و بخشی از امور جاری تولید (تعلیف و پرورش دام) از طریق نیروی کار دستمزدی (چوپان) انجام می‌شود. تعداد واحدهای دامداری سنتی متکی بر کار چوپانی معادل ۲۵۹ هزار و ۸۱۹ واحد برآورد می‌شود. نتایج آمارگیری نمونه‌ای کشاورزی سال ۱۳۶۷ نشان می‌دهد که فقط ۱/۶ درصد این واحدها از نیروی کار مزد و حقوق‌بگیر دائمی (غیر روزانه یا مقطعی) استفاده می‌کنند، بنابراین تعداد این واحدهای دامداری سنتی مبتنی بر نیروی کار چوپان دائمی ۴ هزار و ۳۰۱ واحد خواهد بود. به این ترتیب تعداد کل چوپانان سنتی دستمزدی شاغل در نقاط روستایی معادل ۶ هزار و ۸۸۲ نفر برآورد می‌شود.

۸- ماهیگیران خرده‌پا

در سواحل دریای خزر بر پایه اطلاعات گردآوری شده از طریق کمیته‌های امور صیادان (تعاونی‌های صیادی) جمعاً ۶ هزار نفر صیاد آزاد و حدود ۲ هزار و پانصد نفر صیاد طرف قرارداد شیلات فعالیت

(هزار نفر)

تعداد خانوار بیکار جوای کار	جمعیت فعال						جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر	منطقه سورهای
	بیکار (جوای کار)		شاغل		جمع			
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد		
۱۵۲۰۸	۷۳	۲	۹۸	۴۱۰۰	۴۸/۵	۴۱۷۳	۸۵۹۷	آبان ۱۳۳۵
۱۱۴۶۰۰	۵۶۸	۱۱	۸۹	۴۵۰۵	۴۹/۵	۵۰۷۳	۱۰۲۵۳	آبان ۱۳۴۵
۱۴۳۰۷۷	۷۴۴	۱۴	۸۶	۴۶۸۷	۴۷/۱	۵۴۶۰	۱۱۵۷۵	آبان ۱۳۵۵
۱۳۷۰۳۷	۷۴۰	۱۳	۸۷	۴۹۸۸	۴۹/۶	۵۷۲۷	۱۴۴۲۸	آبان ۱۳۶۵
۱۳۳۲۱۴	۷۴۶	۱۲	۸۸	۵۴۰۵	۳۸/۵	۶۱۵۰	۱۵۹۳۴	مهر ۱۳۷۰
۱۱۴۶۱۵	۵۹۶	۹/۵	۹۰/۵	۵۷۱۱	۳۷/۶	۶۳۰۶	۱۶۷۵۳	آبان ۱۳۷۵

(ساخته: سالنامه آماری کشور سالهای مختلف، ۱۳۷۵، ۱۳۳۵).

۱۰- سالخورده‌گان و از کار افتادگان

برداشت حق بیمه بازنشستگی، از کار افتادگی و بازماندگان را ندارند، به همین علت خانوارهای تحت سرپرستی بیکاران، کارگران غیر دائم، خانوارهای زیر سرپرستی زنان، خانوارهای زیر سرپرستی چوپانان سنتی و خانوارهای زیر سرپرستی صیادان خرده‌پا، دارای نرخ بیمه‌های گوناگون خواهند بود. بطور کلی یادآور می‌شود که از مجموع ۴ میلیون و ۴۰۵ هزار و ۸۱۴ خانوار معمولی در سرشماری سال ۱۳۷۵ حدود ۶۱۰ هزار و ۲۱۴ خانوار بدون فرد شاغل بوده‌اند و در این سال در همین حدود خانوار زیر پوشش بنیادهای حمایتی از جمله کمیته امداد قرار داشته‌اند و از نوعی اعانه در سن سالخوردگی و بازنشستگی استفاده می‌کردند. بر پایه آمارهای سازمان‌های حمایتی مرتبط با جامعه روستایی تا سال ۱۳۸۰ جمعاً یک میلیون و ۸۶۶ هزار و ۹۹۳ سرپرست خانوار از مزایای نوعی تأمین اجتماعی (بازنشستگی) بهره‌مند شده‌اند، لذا مجموع خانوارهایی که زیر عنوان گروه هدف تلقی می‌شوند و سازمان جدید بیمه اجتماعی روستاییان باید آنان را در مقاطع مختلف زیر پوشش قرار دهد ۲ میلیون و ۵۲۸ هزار و ۸۲۱ خانوار است.

۱۱- صاحبان مشاغل و حرفه‌های روستایی

بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۷۵ از مجموع ۵ میلیون و ۷۱۰ هزار نفر جمعیت شاغل ۱۰ ساله و بیشتر در نقاط روستایی کشور ۴ میلیون و ۹۴۵ هزار نفر معادل ۸۶/۶ درصد مرد و ۷۶۵ هزار نفر معادل ۱۳/۴ درصد زن بوده‌اند. در ترکیب شغلی جمعیت شاغل ۱۰ ساله و بیشتر ساکن در مناطق روستایی کشور بالاترین نسبت به گروه عمده شغلی کشاورزی، شکار و جنگلداری اختصاص داشته و بالغ بر ۲ میلیون و ۸۲۰ هزار نفر معادل ۴۹/۴ درصد شاغلان ۱۰ ساله و بیشتر در مناطق روستایی کشور در سال ۱۳۷۵ در گروه شغلی کشاورزی، شکار و جنگلداری کار می‌کرده‌اند و از این تعداد ۹۰/۵ درصد مرد و ۹/۵ درصد زن بوده‌اند. گفتنی است که در این سال امرار معاش ۵۴۲ هزار و ۳۰۸ خانوار روستایی از راه فعالیت کشاورزی، شکار و جنگلداری بوده است که بین گروه‌های عمده شغلی بیشترین سهم

بر اساس نتایج سرشماری سال ۱۳۷۵، از مجموع جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر ساکن نقاط روستایی و عشایری کشور یک میلیون و ۱۲۴ هزار و ۴۸۱ نفر معادل ۶/۶ درصد دارای ۶۵ سال و بیشتر بوده‌اند که از این تعداد ۹۹/۳ درصد در نقاط روستایی و ۰/۷ درصد در مناطق عشایری سکونت داشته‌اند. در همین سال ۲۱۶ هزار و ۲۴۶ خانوار از خانوارهای روستایی آبهایی بوده‌اند که سرپرست خانوار آنها بالای ۶۵ سال داشته است و در واقع این تعداد از خانوارهای روستایی توسط افراد سالخورده سرپرستی می‌شده است. از کل جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر ساکن نقاط روستایی و عشایری ۵۵/۷ درصد مرد و ۴۴/۳ درصد زن بوده‌اند. همچنین از مجموع یک میلیون و ۱۲۴ هزار و ۴۸۱ نفر جمعیت ۶۵ ساله و بیشتر روستایی و عشایری کشور بالغ بر ۶۲۹ هزار و ۴۱۹ نفر معادل ۴۹/۲ درصد زیر پوشش طرح شهید رجایی قرار دارند، لذا این گروه مشمول حمایت بیمه اجتماعی روستاییان قرار نگرفته‌اند و بقیه جمعیت سالخورده ۶۵ سال و بیشتر را باید زیر پوشش بیمه اجتماعی روستاییان قرار داد.

همچنین در تعیین حق بیمه روستاییان باید بنیبه و بضاعت مالی خانوارهای روستایی مورد توجه قرار گیرد تا قشرهای کم درآمد روستایی که در فرایند سیاستهای تعدیل ساختاری و افزایش قیمت‌ها در وضع آسیب‌پذیری قرار گرفته‌اند، بتوانند حق بیمه خود را پرداخت کنند. بر پایه نتایج آمارگیری جمعیت در سال ۱۳۷۵ از مجموع ۴/۴ میلیون خانوار ساکن نقاط روستایی و عشایری کشور ۷۹۲ هزار و ۵۹۳ خانوار معادل ۱۸/۵ درصد، از فقر مزمن در رنج بوده‌اند و در وضعی آسیب‌پذیر قرار داشته‌اند.

همان گونه که در این جدول دیده می‌شود، بین خانوارهای آسیب‌پذیر روستایی، بالاترین سهم به خانوارهای زیر سرپرستی غیر دائم با ۳۵/۶ درصد اختصاص دارد. بدین ترتیب همان گونه که دیده می‌شود جامعه روستایی، جامعه‌ای نامتجانس و ناهمگن است و از قشرهای اجتماعی گوناگونی تشکیل شده است که همه آنها توانایی

جدول (۵) - توزیع خانوارهای روستایی گرفتار فقر مزمن و آسیب‌پذیری شدید در سال ۱۳۷۵

شرح	تعداد	درصد
خانوارهای تحت سرپرستی کارگران غیر دائمی روستاها	۲۸۲۴۲۹	۳۵/۶
خانوارهای تحت سرپرستی بیکاران	۲۵۱۸۷۷	۳۱/۸
خانوارهای تحت سرپرستی زنان	۲۳۵۹۰۵	۲۹/۸
خانوارهای تحت سرپرستی صیادان خرده‌پا	۱۵۵۰۰	۲
خانوارهای تحت سرپرستی چوپانان سنتی	۶۸۸۲	۰/۸
جمع خانوارهای آسیب‌پذیر روستایی	۷۹۲۵۹۳	۱۰۰

(مأخذ: «فقر و آسیب‌پذیری روستایی»، ویژه‌نامه فقر - فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، ص ۷۰ با تغییرات)

وسایل نقلیه موتوری و موتورسیکلت و کالاهای شخصی و خانگی، ۴/۳ درصد حمل و نقل و انبارداری و ارتباطات، ۳ درصد آموزش، ۰/۸ درصد بهداشت و مددکاری اجتماعی، ۰/۷ درصد دیگر فعالیت‌های خدمات عمومی، اجتماعی و شخصی، ۰/۵ درصد تأمین برق، گاز و آب، همین تعداد استخراج معدن، ۰/۴ درصد ماهیگیری، همین تعداد مستغلات، اجاره و کار و کسب، ۰/۳ درصد واسطه‌گرهای مالی و همین تعداد در گروه شغلی هتل و رستوران فعالیت داشته‌اند.

برآورد هزینه مالی قشرهای زیر پوشش سازمان‌ها و

نهادهای خدمات رسان تأمین اجتماعی روستایی

در این بخش از پژوهش، عمده‌ترین سازمان‌های دخیل در نظام تأمین اجتماعی روستایی در کشور که به شکل‌های گوناگون درگیر تأمین اجتماعی روستایی هستند، شناسایی شده‌اند. این سازمان‌ها به

رأداشته است. دومین گروه عمده شغلی در نقاط روستایی کشور در سال ۱۳۷۵ در بخش صنعت بوده است و ۸۶۳ هزار نفر معادل ۱۵/۲ درصد شاغلان ۱۰ ساله و بیشتر در بخش صنعت به فعالیت اشتغال داشته‌اند. از این تعداد ۵۵ درصد مرد و ۴۵ درصد زن بوده‌اند. شمار خانوارهای روستایی که منبع تأمین زندگی آنها صنعت بوده است ۱۶۵ هزار و ۹۶۱ خانوار است. سومین گروه عمده شغلی در مناطق روستایی کشور بخش ساختمان بوده است و بالغ بر ۶۱۱ هزار نفر معادل ۱۰/۷ درصد شاغلان ۱۰ ساله و بیشتر در روستاهای کشور در سال ۱۳۷۵ در بخش ساختمان کار می‌کرده‌اند. از این تعداد ۹۹/۲ درصد مرد و ۰/۸ درصد زن بوده‌اند. ۱۱۷ هزار و پانصد خانوار روستایی دارای سرپرستانی هستند که در بخش ساختمان کار می‌کنند و راه امرار معاش آنان فعالیت در بخش ساختمان است. سپس به ترتیب ۷ درصد شاغلان ۱۰ ساله و بیشتر مناطق روستایی کشور در سال ۱۳۷۵ در گروه عمده‌فروشی، تعمیر

جدول (۲) - شاغلان (۱۰ ساله و بیشتر بر حسب گروه‌های عمده فعالیت و جنس در نقاط روستایی - آبان ۱۳۷۵ (هزار نفر)

تعداد خانوار	مردوزن		زن		مرد		جنس
	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۵۴۲۳۰۸	۱۰۰	۲۸۲۰	۹/۵	۲۶۸	۹۰/۵	۲۵۵۲	گروه عمده شغلی کشاورزی، شکار و جنگلداری
۴۰۳۸	۱۰۰	۲۱	-	-	۱۰۰	۲۱	ماهگیری
۵۵۷۷	۱۰۰	۲۹	-	-	۱۰۰	۲۹	استخراج معدن
۱۶۵۹۶۱	۱۰۰	۸۶۳	۴۵/۲	۳۹۰	۵۴/۸	۴۷۳	صنعت (ساخت)
۵۶۸۵	۱۰۰	۲۸	-	-	۱۰۰	۲۸	تأمین برق، گاز و آب
۱۱۷۵۰۰	۱۰۰	۶۱۱	۰/۹	۵	۹۹/۱	۶۰۶	ساختمان
۵۰۷۶۹	۱۰۰	۲۶۴	۲/۳	۶	۹۷/۷	۲۵۸	عمده‌فروشی، خرده‌فروشی، تعمیر وسایل نقلیه موتوری و موتورسیکلت و کالاهای شخصی و خانگی
۲۸۸۵	۱۰۰	۱۵	-	-	۱۰۰	۱۵	هتل و رستوران
۴۷۶۹۲	۱۰۰	۲۴۸	۱/۳	۳	۹۸/۷	۲۴۵	حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات
۱۹۲۳	۱۰۰	۱۰	-	-	۱۰۰	۱۰	واسطه‌گری‌های مالی
۳۴۶۱	۱۰۰	۱۸	۵/۶	۱	۹۴/۴	۱۷	مستغلات، اجاره و فعالیت‌های کار و کسب
۷۷۶۹۲	۱۰۰	۴۰۴	۲/۲	۹	۹۷/۸	۳۹۵	اداره عمومی، دفاع و تأمین اجتماعی اجباری
۳۳۲۶۹	۱۰۰	۱۷۳	۲۲	۳۸	۷۸	۱۳۵	آموزش
۹۲۳۱	۱۰۰	۴۸	۳۴/۴	۱۶	۶۶/۶	۳۲	بهداشت و مددکاری اجتماعی
۷۶۹۲	۱۰۰	۴۰	۱۲/۵	۵	۸۷/۵	۳۵	سایر فعالیت‌های خدمات عمومی، اجتماعی و شخصی
۶۵۳۸	۱۰۰	۳۴	۵/۹	۲	۹۴/۱	۳۲	خانوارهای معمولی دارای مستخدم
۷۶۹	۱۰۰	۴	-	-	۱۰۰	۴	دفاتر و ادارات مرکزی
۱۵۳۸۵	۱۰۰	۸۰	۷/۵	۲۲	۷۲/۵	۵۸	فعالیت‌های نامشخص و اظهار نشده
۱۰۹۸۰۷۷	۱۰۰	۵۷۱۰	۱۳/۴	۷۶۵	۸۶/۶	۴۹۴۵	جمع

(مأخذ: سالنامه آماری ۱۳۷۶، ص ۱۰۲)

۱- کمیته امداد با دو طرح شهید رجایی و طرح مددجویی که طرحی کاملاً مرتبط با روستاست و صددرصد در زمینه تأمین اجتماعی روستایی فعالیت دارد و طرح مددجویی که طرحی است که بر اساس آن افراد (چه روستایی، چه شهری) بنا به دلایلی از قبیل نداشتن سرپرست، از کار افتادگی سرپرست، معلولیت سرپرست و... برحسب نوع نیازمندی، تحت پوشش کمکهای دائمی یا موقتی قرار می گیرند.

۲- بنیاد شهید. با توجه به اینکه شمار چشمگیری از شهدای عزیز جنگ تحمیلی و انقلاب اسلامی از قشرهای مختلف روستایی هستند، عرصه خدمات رسانی بنیاد شهید به جامعه روستایی نیز کشیده شده است.

۳- بنیاد مستضعفان و جانبازان که با هدف کمک به ناتوانان و مستضعفان روستایی، قشرهایی را زیر پوشش دارد.

۴- سازمان تأمین اجتماعی که با عنوان مقوله از کار افتادگان روستایی، بازماندگان روستایی، بیمه شدگان آسیب دیده بخش کشاورزی و مستمری بگیران تحت پوشش سازمان تأمین اجتماعی در محیط روستاها فعالیت دارد.

گفتنی است که آمارهای ثبتی این ۴ نهاد خدمات رسان در بخش روستایی غیر از طرح شهید رجایی از مجموعه طرحهای خدماتی کمیته امداد که وضع موجود به تفکیک خانوارهای شهری و روستایی در آمارهای رسمی به تفکیک آورده شده است در بقیه موارد به علت کلی بودن و غیرمنفک بودن از قام رسمی ایفاد شده بر اساس قانون اعداد بزرگ در آمار، ناگزیر ضرابی تعبیه شد که ضریب ۳۹ درصد نسبت جمعیت روستایی به کل جمعیت با بعد خانوار ۵ نفر به عنوان ضرایب ثابت برآوردی انتخاب شده است.

فعالیت‌های مربوط به تأمین اجتماعی در قالب خدمات حمایتی و بیمه‌ای توسط سازمانها و مراکز متعدد دولتی و غیر دولتی در جامعه روستایی انجام می گیرد. اما به علت نبود دسترسی به آمارهای بخش غیر دولتی، اطلاعات آماری این فصل فقط مربوط به خدماتی است که از سوی سازمانهای عمده دولتی ارائه می شود. خدمات حمایتی (غیر دولتی)، مجموعه‌ای از تدابیر و فعالیت‌های مددکاری، مشاوره و دیگر خدمات اجتماعی و توان بخشی است که به منظور تأمین نیازهای اساسی گروه‌های کم درآمد و بالا بردن سطح زندگی آن دسته از آسیب دیدگان جامعه روستایی، خانواده‌های شهدا، اسرا و مفقودان و جانبازان صورت می گیرد. شمار روستاهای زیر پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) در سال ۱۳۷۸-۱۳۷۹ ۵۲ هزار و ۴۷۵ روستا بوده است، بدین معنا که مددجویان نیازمند این تعداد روستا، زیر پوشش طرحها و برنامه‌های مختلف این نهاد قرار داشته‌اند. شمار روستاهای زیر پوشش نسبت به رقم مشابه در سال قبل، ۷۳ روستا معادل (۱/۸ درصد) افزایش داشته است. مکانیزم اجرایی

پرداخت مستمری طرح شهید رجایی در بیشتر مناطق کشور به صورت دستی و در مناطق سخت گنر و برای افراد معلول توسط کمیته امداد صورت می گیرد. طرح شهید رجایی در حال حاضر با توجه به مصوبه مجلس شورای اسلامی شامل روستاییان از کار افتاده بالای ۶۰ سال است که بیشتر سالمندانی هستند که سرپرست خانوار و فاقد زمین کشاورزی، ملک شخصی یا نسق زراعی هستند. اعتبار تخصیصی در سال ۱۳۸۰ معادل ۶۸۷ میلیارد ریال است و شناسایی افراد سالمند روستایی دارای شرایط توسط نیکوکاران محلی یا مراجعه افراد ذینفع، پس از تأیید گروه تحقیق صورت می پذیرد. تا پایان سال ۱۳۷۸، مبلغ پرداختی ردیف اعتبارات طرح شهید رجایی به روستاییان ۶۵ میلیون و ۴۲۵ هزار و ۲۳۶ ریال بوده است. نحوه پرداخت مستمری، هر سه ماه یکبار به خانوارهای یکنفره ماهانه ۶۰ هزار ریال، خانوارهای دو نفره ۸۰ هزار ریال، خانوارهای سه نفره یکصد هزار ریال، خانوارهای چهار نفره ۱۲۰ هزار ریال و خانوارهای پنج نفره به بالا ۱۵۰ هزار ریال به صورت ماهانه است. افزون بر آن، در پایان سال به هر خانوار روستایی تحت پوشش معادل سرانه یک ماه عیدی پرداخت شده است. شمار افراد زیر پوشش طرح شهید رجایی با عنوان حمایت از سالمندان نیازمند روستایی و عشایری تا پایان سال ۷۸ معادل ۶۲۹ هزار و ۴۱۹ خانوار، (۱/۵۷ میلیون نفر) بوده است. اعتبارات تخصیص یافته کمیته امداد در بودجه کل کشور از مبلغ ۳۴۶۲۵ میلیون ریال در سال ۱۳۷۷ بالاتر رفته و معادل ۷۱ درصد رشد داشته است. از این اعتبارات، یک میلیون و ۵۰۲ هزار و ۳۶۶ نفر در قالب طرح شهید رجایی (بخش روستایی) استفاده کرده‌اند. در پایان سال ۱۳۷۷، تعداد ۶۳۷/۱ هزار خانوار با جمعیت ۱/۵۵ میلیون نفر زیر پوشش این طرح در روستاهای کشور قرار داشتند. کمیته امداد در زمینه امور بیمه و خدمات درمانی روستایی نیز فعالیت دارد به گونه‌ای که تا ابتدای سال ۱۳۷۹ تعداد ۲ میلیون و ۱۵۹ هزار و ۱۳۵ نفر از روستاییان با صرف مبلغی معادل ۲۶۰/۸۲۹/۲۱۰ هزار ریال زیر پوشش خدمات بیمه‌ای قرار گرفتند. در حقیقت، یک نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی روستایی از مجموعه‌ای راهبردها، برنامه‌ها و فعالیتها برای حفظ سطح درآمد فرد یا خانوار روستایی و تأمین نیازهای بهداشتی و درمانی و... تشکیل شده است که می توان آنها را در سه گروه متمایز طبقه بندی کرد که عبارتند از: ۱- راهبردهای بیمه‌ای، ۲- راهبردهای حمایتی و ۳- راهبردهای امدادی. در بخش روستایی، بیشتر راهبردها جنبه حمایتی و امدادی دارند. در تحلیل وضع موجود، راهبردهای حمایتی شامل مجموعه کمک‌های اجتماعی به روستاهاست که از سوی سازمان‌های رسمی و غیررسمی ذکر شده به قشرهای آسیب پذیر روستایی، معلولان جنگی روستایی، خانوار شهدای روستایی و به افراد بی سرپرست روستایی عرضه می شود. همان گونه که پیشتر اشاره شد، در ایران

سازمان بهزیستی، کمیته امداد، بنیاد جانبازان و بنیاد شهید و مؤسسات خیریه مردمی از جمله سازمان‌های حمایتی روستایی هستند. آثار اهری دهای امدادی، شامل مجموعه فعالیتهایی می‌شود که در مواقع اضطراری، آسیب‌دیدگان حوادث غیر مترقبه طبیعی در روستاها مانند زمین لرزه، سیل، خشکسالی و قربانیان رویدادهای غیر طبیعی چون جنگ (آوارگان روستایی) را بطور مقطعی و موقت مورد حمایت قرار می‌دهد. جمعیت هلال احمر از جمله سازمان‌های امدادی است. منابع مالی سازمانهای حمایتی و امدادی بیشتر از محل اعتبارات دولتی، کمکهای دلو طلبانه مردمی، نهادهای دینی و بنیادهای خیریه و اوقاف تأمین می‌شود. با آنکه هر یک از این سازمانهای سه‌گانه بیمه‌ای، حمایتی و امدادی خدمات ارزنده‌ای به روستاییان عرضه می‌کنند، به علت نبود نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی روستایی، کارایی لازم و کافی ندارند و به رغم تلاشهای پراکنده‌ای که در جهت رفاه و بهزیستی قشرهای محروم و آسیب‌پذیر جامعه روستایی به عمل می‌آید و مبالغ معتدلی که به صورت انواع یارانه‌ها توزیع می‌شود، به علت ناهماهنگی و موازی کاری و نبود مدیریت منسجم و یکپارچه و کارآمد، نظام تأمین اجتماعی روستایی هنوز از کارایی لازم برخوردار نیست. طی سالیان دراز متأسفانه، روستاییان زیر پوشش سیستم‌های بیمه‌ای نرفته‌اند و همواره نگرانی‌هایی از آینده این قشر به چشم می‌خورد اما به ابتکار شهید رجایی، قانون حمایت از سالمندان نیازمند روستایی تهیه و اجرای آن از سال ۶۴ به کمیته امداد محول شد که بطور متوسط از ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۸ سالانه ۱/۸ درصد بر شمار خانوارها و ۲/۰ درصد بر شمار افراد زیر پوشش طرح حمایتی افزوده شده

است به گونه‌ای که هم‌اکنون ۶۲۹ هزار و ۴۱۹ خانوار (۹۷/۸ درصد) با جمعیتی حدود یک میلیون و ۵۲۹ هزار و ۷۹۱ نفر (۹۷/۲) در روستاها بطور کامل زیر پوشش حمایتی قرار دارند. همچنین تا پایان سال ۷۹ نیز ۸۶ هزار و ۲۰۹ خانوار روستایی زیر چتر حمایتی روستایی بنیاد شهید، ۴۶ هزار و ۱۷۶ خانوار زیر پوشش حمایت روستایی بنیاد مستضعفان و جانبازان، ۶۱۵ خانوار زیر پوشش بیمه‌های آسیب‌دیدگی بخش کشاورزی تأمین اجتماعی، ۸۱ هزار و ۲۰۲ خانوار زیر پوشش نظام مستمری‌بگیری روستایی تأمین اجتماعی، ۶ هزار و ۷۷۰ خانوار زیر چتر حمایتی از کارافتادگی روستایی و ۲۴۴ هزار و ۵۸۲ خانوار زیر انواع پوشش‌های مربوط به بازماندگان روستایی قرار دارند که بر اساس جدول شماره ۲۷ مبلغی معادل ۲/۵۷۲/۲۹۱ میلیارد ریال به جامعه روستایی اعتبار تزیق می‌کنند. قابل توجه است که رقم برآوردی یک میلیون و ۸۶۶ هزار و ۹۹۳ خانوار که تعداد تخمینی آسیب‌پذیرترین قشرهای روستایی را در بر می‌گیرد با نتایج پژوهشهای اخیر در ارتباط با فقر و آسیب‌پذیری بخش روستایی که نزدیک به دو میلیون خانوار برآورد شده است همخوانی دارد. (مؤسسه پژوهشهای اقتصادی کشاورزی، ۱۳۷۹). این گونه خانوارها نه تنها به اعتبار اینکه از دیدگاه ترکیب نیروی کار مورد نیاز در واحدهای بهره‌برداری با کمبود و نارسایی روبه‌رو هستند، بلکه به این دلیل که اساساً مخاطرات شغلی، احتمال بیکاری، پایین بودن بهره‌وری و کارایی درآمدی نیروی کار، پایین بودن دستمزد نیروی کار، بی‌شغلی، نبود تنوع شغلی، محدودیت حیطه عمل اقتصادی برای این گروه بیشتر است و بیشتر آنان حتی دارای شغل برای

جدول (۲) - شمار نهادهای پوشش دهنده تورهای حمایتی روستایی تا آخر سال ۱۳۸۰ در ایران

نام نهاد پوشش دهنده	موضوع	تعداد نفرات روستایی تحت پوشش (خانوار)	کل بوجه هزینه شده (میلیون تومان)	کل جمعیت تحت پوشش
کمیته امداد امام خمینی (ره)	طرح شهید رجایی طرح مددجویی	۶۲۹۴۱۹ خانوار ۷۷۲۰۲۰ خانوار	۲۰۱۲۸۷ ۱۴۰۵۴۵	۶۴۳۴۰ خانوار ۱۹۷۹۵۴۱
بنیاد شهید انقلاب اسلامی	حمایت از خانوارهای شهید روستایی	۸۶۲۰۹ خانوار	۴۲۵۲۱۲	۲۲۱۰۵۱
بنیاد مستضعفان و جانبازان	حمایت روستایی	۴۶۱۷۶ خانوار	۲۷۷۶۷	۱۱۸۴۰۰
سازمان بهزیستی	واحد توان بخشی	۱۳۷۸ خانوار	-	-
تأمین اجتماعی	بیمه‌شدگان آسیب‌دیده تحت پوشش تأمین اجتماعی (بخش کشاورزی)	۶۱۵ خانوار	۱۲۴۹۹	۶۱۵ خانوار
تأمین اجتماعی	مستمری‌بگیران روستایی تحت پوشش سازمان تأمین اجتماعی	۸۱۲۰۲ خانوار	۱۳۸۲۸۴۱	۱۰۴۱۰۵۰
تأمین اجتماعی	از کارافتادگان روستایی	۶۷۷۰ خانوار	۱۶۵۵۱	۱۷۳۶۰
تأمین اجتماعی	بازماندگان روستایی	۲۴۴۵۸۲ خانوار	۳۹۰۶۳۰	۶۲۷۱۳۵
جمع کل		۱/۸۶۶/۹۹۳	۲۵۷۲۲۹۱	

(مأخذ: سالنامه آماری کشور ۱۳۷۷، صفحات: ۵۵۴۹-۵۹۱۰)

و... هستی خود را از دست داده و زندگی شان مختل شده است. افراد زیر پوشش کمیته امداد به سه گروه تقسیم می شوند: الف- مددجویان زیر پوشش عادی، ب- زیر پوشش طرح رجائی، ج- زیر پوشش طرح سرباز.

الف- زیر پوشش عادی

مددجویانی که به عللی مانند بی سرپرستی، از کار افتادگی سرپرست، معلولیت سرپرست، در ماندگی و بیماری سرپرست زیر پوشش هستند. نیازمندی به سه دسته دائمی، موقت و مودی تقسیم می شود. مددجویی که با توجه به نوع و میزان نیازمندی پیش بینی می شود تمام سال (معمولاً بیش از شش ماه) و حتی سالها زیر پوشش قرار داشته باشد و پیوسته از انواع خدمات و حمایت های امدادی بهره مند شود.

ب- زیر پوشش طرح شهید رجائی

شامل سالمندان روستایی نیازمند بالای ۶۰ سال است که با توجه به شرایط، ماهانه مبالغی به صورت نقد یا کالا دریافت می کنند.

ج- زیر پوشش سرباز

شامل خانواده افراد مشمول نظام و وظیفه است که به علت اعزام شدن سرپرست یا نان آور به خدمت سربازی، قادر به تأمین معاش خود نیستند و زیر پوشش کمیته امداد قرار می گیرند. کمیته امداد اهداف و وظایف مهم و اساسی بر عهده دارد، از جمله:

۱- شناخت انواع محرومیتهای مادی و معنوی، ۲- یافتن و اولویت بندی محرومان و مستضعفان واقعی و اقدام مناسب و ممکن در جهت استقرار نظام عادلانه و ارائه مناسب ترین و شایسته ترین کمکها و خدمات به نیازمندان و محرومان و ایجاد تغییر بنیادی در زندگی آنان به منظور ابراز خلاقیت و استعدادها برای خود کفایی و خودتوانی و داشتن زندگی مستقل، غیرمتکی و شرافتمندانه.

فرایند شناسایی مددجویان

مددکاری که عبارت است از تحقیق و شناسایی مسائل و مشکلات مددجو و یافتن راه حل آن، با طرح درخواست مددجو آغاز می شود و این درخواست ممکن است از سوی یکی از اعضای خانواده که عمدتاً مسئول خانواده است بوسیله یکی از امدادگران کمیته امداد یا افراد موقت یا مراجع صالحه تنظیم و به کمیته امداد برای رسیدگی ارائه شود. سپس مراحل زیر طی خواهد شد: مرحله ۱- اخذ درخواست: ثبت درخواست مددجو و مشخصات وی در دفتر مراجعان مددجویی و مرحله ۲- پذیرش اولیه: در این مرحله با مسئول خانواده یا یکی از اعضای مؤثر خانواده مصاحبه و پس از تکمیل فرم پذیرش اولیه براساس اطلاعات به دست آمده در مورد مددجو تصمیم گیری می شود. بدین معنا که ممکن است مددجو دارای مشکل قابل پیگیری نباشد یا متقاضی خدماتی باشد که در حیطه وظایف کمیته امداد نیست. در این صورت با ارائه خدمات مددکاری و مشاوره و راهنمایی نتیجه تصمیم گیری در فرم پذیرش

کسب در آمد نیستند یا وضع شغلی مخاطره آمیز دارند و از این رو از فقیرترین و محرومترین گروه های شغلی در نقاط روستایی محسوب می شوند.

سازماندهی مدیریت و سازوکارهای اجرای طرح

حمایت های اجتماعی از روستاییان

هدف از تلوی این بخش، آشنایی با همه سازمان های حمایتی موجود در روستاها است. از آنجا که سازمان های مذکور، تنها دو سازمان تأمین اجتماعی و کمیته امداد در ارتباط با بیمه اجتماعی روستاییان فعالیت دارند، در این بخش دو سازمان مذکور و تشکیلات آنها مورد توجه بیشتری قرار گرفته است.

۱- کمیته امداد

این کمیته با هدف یاری محرومان براساس فقه و اخلاق اسلامی در سال ۱۳۵۷ تشکیل شد تا در راه امداد در ماندگان و آسیب دیدگان و خودکفا کردن محرومان تلاش مستمر داشته باشد. مشمولان زیر پوشش این نهاد عبارتند از: ایتم، بی سرپرستان، معلولان، از کار افتادگان و سالمندان روستایی و مأموریت های آن عبارت است از:

۱- تلاش در زمینه تحقیق، بررسی و شناخت انواع محرومیتهای مادی و معنوی افراد و خانواده های محروم و از میان بردن آن در حد امکان، ۲- پرداخت مستمری، کمکهای نقدی و غیر نقدی به محرومان و فراهم آوردن امکانات لازم برای خودکفا کردن آنان در حد توان، ۳- دادن وام به خانواده های محروم برای خودکفا شدن، درمان، کمک به تعمیر و تهیه مسکن، تحصیل، ازدواج و تهیه جهیزیه در حد توان، ۴- ایجاد بیمارستان، درمانگاه و داروخانه طبق ضوابط مربوطه برای درمان بیماران تهیدست و محروم در حد توان، ۵- ارائه هرگونه خدمت و برنامه مصوب با تخصیص اعتبار لازم آن با تصویب شورای مرکزی، ۶- تهیه وسایل آموزشی و انجام خدمات فرهنگی و کمکهای آموزشی مشمولان کمیته امداد عبارتند از: ۱- خانواده های بی سرپرست: منظور خانواده هایی است که به علت از دست دادن نان آور، توانایی گذران زندگی روزمره را بی دریافت حمایت های مادی و خدماتی ندارند.

۲- افراد و خانواده هایی که هرچند سرپرست دارند، به علت از کار افتادگی یا معلولیت یا شرایط خاص اجتماعی، قادر به تأمین زندگی یا دستکم نیازهای اساسی زندگی خویش نیستند.

۳- سالمندان روستایی مستمند دارای بیش از ۶۰ سال سن (تحت پوشش طرح شهید رجائی) که سالهای دراز در روستاها مشغول فعالیت و تولید بوده و توان جسمانی خود را مصروف داشته اند و همچنین عائله آنها که هم اکنون قدرت تأمین حداقل نیازهای خود را ندارند.

۴- کسانی که بر اثر سوانح دیگری چون سیل، زمین لرزه، آتشفشان و رویدادهایی مانند انفجار، جنگ، تصادف، آتش سوزی

اولیه و دفتر مراجعات مددجویی ثبت و مدارك مربوطه در پرونده متقاضیان غیر واجد شرایط نگهداری خواهد شد.

بررسی برای تحت پوشش قرار گرفتن

چنانچه مشکل مددجو با حمایت موردی قابل رفع نبوده و نیاز به حمایت دراز مدت وجود داشته باشد، اقدامات زیر به ترتیب انجام می شود: ۱. نتیجه در دفتر مراجعات مددجویی ثبت می شود، ۲. فرم پذیرش اولیه و دیگر مدارك به محقق داده می شود تا به تحقیق بپردازد.

مرحله ۳. تحقیق: چنانچه بر اساس تصمیم گیری اولیه نیاز مددجو به حمایت مستمر به طور نسبی احراز شود پرونده موقت برای مددجو تشکیل و نسبت به اخذ مدرك اثبات نیاز اقدام می شود. پس از تحقیق و اخذ مدرك اثبات نیاز و اظهار نظر پیرامون وضع مددجو، پرونده موقت مددجو برای تصمیم گیری نهایی به رئیس شاخه تحویل می شود.

مرحله ۴. تصمیم گیری: در این مرحله پرونده موقت مددجو توسط رئیس شاخه مطالعه و با توجه به وضع عمومی خانواده مددجو و ضوابط مربوطه تصمیم گیری می شود. نتیجه تصمیم گیری یکی از دو حالت خواهد بود: ۱. مددجو واجد شرایط تشخیص داده نمی شود. چنانچه مددجو خود را مستحق دریافت کمک بداند تحقیق مجدد توسط محقق دیگری ضروری است. ۲. مددجو واجد شرایط تشخیص داده می شود و پس از صدور دستور اقدام توسط رئیس شاخه، مراحل اداری لازم طی می شود.

مرحله ۵. تحقیق مجدد: به منظور بررسی و تعیین خانوار تحت پوشش برای تصمیم گیری جدید در خصوص نحوه تداوم حمایت یا قطع حمایت ها، باید در صورت وجود یکی از شرایط زیر نسبت به بررسی مجدد وضع همه خانوارهای تحت پوشش اقدام شود:

۱- ایجاد تغییر اساسی در وضع خانوار در زمانی معین.
۲- دریافت اطلاعات دقیق از راههای مطمئن مبنی بر تغییر اساسی وضع خانواده مددجو، نیز اینکه حداکثر یک سال از تاریخ تحت پوشش قرار گرفتن خانواده یا تحقیق قبلی گذشته باشد.

۲- مجتمع های بهزیستی روستایی

به منظور محرومیت زدایی از روستاهای کشور، در سالهای پس از انقلاب مجتمع های بهزیستی در برخی از مناطق روستایی کشور ساخته شد و روستاها را زیر پوشش خدماتی قرار داد. در حال حاضر یک هزار و ۲۴۸ مجتمع بهزیستی در روستاهای کشور تأسیس شده است و بر اساس پیش بینی ها در برنامه های پنجساله دوم و سوم شمار مجتمع های بهزیستی به ۲ هزار و پانصد تا ۳ هزار مجتمع افزایش می یابد. همچنین به زنان قالیباف و ام اشتغال زا به صورت بلاعوض یا اقساطی از طریق وام تبصره های ۳ و ۴ پرداخت می شود.

به طور کلی از بحث پیرامون سازمانهای ارائه دهنده برنامه های تأمین اجتماعی می توان نتیجه گرفت که در ارتباط با بیمه از

کار افتادگی، بازنشستگی و بازماندگان، کمیته امداد در زمینه حمایت از سالمندان روستایی به ارائه خدماتی مشغول است مجموع خانوارهای تحت پوشش آن بالغ بر ۶۲۹۴۱۹ خانوار روستایی با جمعیتی معادل ۱۵۵۳۹۹۲ نفر است. دایره عمل بقیه سازمانهای حمایتی ذکر شده در جامعه روستایی چندان زیاد نیست. بعلاوه این سازمانها مستقلاً به جامعه روستایی نمی پردازند.

۳- مشکلات اجرای برنامه های بیمه اجتماعی روستائیان

جامعه روستایی کشور با مسائل و مشکلات زیادی روبرو است که اجرای طرح بیمه روستایی را دشوار کرده است. بخشی از این مشکلات درونی است و به ساختار جامعه روستایی کشور ارتباط دارد و بخش دیگر محدودیتهای خارج از روستا و از بخش کشاورزی سرچشمه می گیرد. از این رو شناخت عوامل بازدارنده و موانع موجود پیش از اجرای طرح، ضروری است و بر اساس این ضرورت، در این بخش مشکلات اجرای برنامه بیمه اجتماعی روستائیان مورد بررسی قرار می گیرد. از جمله عوامل بازدارنده و موانع موجود بر سر راه اجرای طرح بیمه روستایی، الگوی آبادی نشینی است. پراکنندگی آبادی ها، نظام خدمات رسانی به جامعه روستایی را دشوار کرده است و به نظر می رسد سیاست های بخش کشاورزی باید در جهت جلوگیری از شکل گیری آبادی های پراکنده و کم جمعیت که خدمات رسانی به آنها مقرون به صرفه اقتصادی نیست، طراحی شود. همچنین سازمان امور عشایری که دست اندر کار ساماندهی اسکان عشایر کوچنده مایل به اسکان است، باید تدابیر لازم را برای جلوگیری از اسکان های خود انگیخته به صورت پراکنده اتخاذ و از شکل گیری آبادی های عشایری در مکانهای مناسب و اسکان جمعیت مناسب در این کانون ها حمایت کند. همچنین شیوه غالب بهره برداری از زمینهای کشاورزی در کشور، شیوه تولید دهقانی است و یکی از ویژگی های بهره برداری دهقانی، خرد بودن و چند قطعه بودن زمینهای کشاورزی است. از جمله عوامل بازدارنده و موانع موجود بر سر راه بهره برداری از زمینهای کشاورزی در روستاهای کشور، خرد بودن و پراکنده بودن زمینهای کشاورزی است. بهره برداری از زمینهای خرد و پراکنده، مقرون به صرفه اقتصادی نبوده و بهره برداری مطلوب از آب، خاک، ماشین آلات و نیروی کار در زمینهای خرد و پراکنده امکان پذیر نیست و به کاهش بازده در واحد سطح، افزایش هزینه های تولید و کاهش درآمد جامعه دهقانی می انجامد، زیرا در زمینهای خرد و پراکنده مدیریت صحیح مزرعه از لحاظ آبیاری و نیروی کار اعمال نمی شود و سبب هدر رفتن نیروی کار کشاورز و افزایش هزینه به کارگیری نیروی کار می شود. آب کشاورزی در جوهای متعدد برای رسانیدن آن به زمینهای کشاورزی تلف می شود و کاربرد ماشین آلات در زمینهای خرد و پراکنده دشوار و غیر اقتصادی است. استفاده از شیوه های تازه کشاورزی، تنوع بخشیدن

وضعیت زندگی کشاورزی و منابع محدود، فرصت‌های کم، تربیت مقتدرانه در کودکی، روحیه قضا و قدری، اعتماد به نفس اندک، وابستگی مفرط به طبیعت، پایین بودن سطح آرزوها، تصور خیر محدود و نبود روحیه نوبذیری، دارای انگیزه پیشرفت و کامیابی اقتصادی اندکی هستند. «راجرز» تقدیرگرایی را از جمله عناصر خرده فرهنگ دهقانی می‌داند و معتقد است که جامعه دهقانی سرنوشته را قدرت مطلق در تعیین بدبختی و موفقیت خود می‌داند و از آنجا که ستمیز با طبیعت دشوار است، هر زمان خودش یا دیگری در زندگی به موفقیت دست یابد آنرا به کارکرد عوامل مابعدالطبیعه نسبت می‌دهد. «راجرز» نتیجه می‌گیرد که تقدیرگرایی، یکی از عواملی است که مانع پذیرش نوسازی و تغییر در میان دهقانان می‌شود. فاستر نیز یکی از دلایل نبودن اعتماد متقابل در روابط شخصی روستاییان را تصور نهمت محدود می‌داند. به اعتقاد وی، دهقانان همواره تصور می‌کنند که نعمت‌های زندگی چون زمین، ثروت، تندرستی، قدرت، امنیت و... به میزان کمی وجود دارد و پیشی گرفتن فرد، به قیمت زبان دیگری تمام می‌شود و اگر فرد بکوشد سهم بیشتری را از آن خود کند به مفهوم آن است که از سهم دیگری کاسته است. با توجه به آنچه گفته شد، برای از بین بردن موانع رفتاری بیمه روستاییان در مناطق روستایی کشور، تغییر عناصر خرده فرهنگ دهقانی و فراهم سازی زمینه پذیرش بیمه روستایی ضروری به نظر می‌رسد.

منابع و مآخذ

- سازمان تأمین اجتماعی، مجموعه مقالات و گزارشهای امور بین الملل، تهران، ۱۳۷۳.
- سازمان تأمین اجتماعی، کالبدشکافی منابع و مصارف سازمان تأمین اجتماعی، تهران، ۱۳۷۶.
- سازمان تأمین اجتماعی، گزارش طرح بیمه روستاییان، عبدالحسین نیک‌نگهر و مهناز کاشانی، تهران، مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، چاپ دوم، ۱۳۷۵.
- سازمان بهزیستی کشور، مجموعه قوانین و مقررات بهزیستی، دفتر حقوقی سازمان بهزیستی، تهران، ۱۳۷۶.
- سازمان بهزیستی کشور، رفاه اجتماعی - بیم‌ها و امیدها، تهران، ۱۳۷۷.
- سازمان بهزیستی کشور، تحلیلی بر وضع موجود سازمان بهزیستی کشور، تهران، ۱۳۷۷.
- سازمان بهزیستی کشور، طرح حمایت‌های مالی از مؤسسات و انجمن‌های خیریه، دفتر امور خانواده‌های نیازمند و بی‌سرپرست.
- کمیته امداد امام خمینی (ره) کارنامه عملکرد بیست ساله، آبان، ۱۳۷۸.
- مرکز آمار ایران، طرح آمارگیری خدمات خیریه و مذهبی کشور، تهران، ۱۳۷۲.
- مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی، تهران، ۱۳۷۸.

به ترکیب کشت و روی آوری به کشت محصولات تجاری و سودآور، دشوار است و امکان تلفیق دامداری با زراعت یا باغداری با زراعت نیز ناممکن است. با توجه به آنچه گفته شد، شیوه غالب تولید زراعی در مناطق روستایی کشور، بهره‌برداری دهقانی است و از آنجا که ۳۳/۴ درصد بهره‌برداران دهقانی تا ۲ هکتار زمین دارند و در قشر پایینی جامعه دهقانی قرار دارند و در تنگی معیشت بسر می‌برند، توصیه می‌شود که در اجرای طرح بیمه روستاییان، دهقانان خرده‌پا مورد حمایت قرار گیرند و با پرداخت یارانه از این قشر زحمتکس نیز حمایت بیمه‌ای شود. از طرفی، ثابت ماندن زمین کشاورزی در روستاها و افزایش جمعیت، به تدریج بخشی از جمعیت در سن کار و فعالیت را از زمین و بخش کشاورزی دور کرده و نبود فرصت‌های شغلی در مناطق روستایی به پیدایش سرریز و مازاد نیروی کار در بخش کشاورزی منجر شده است. از سوی دیگر، تقسیم زمین یا درآمد حاصل از آن بین ورثه بر اثر فوت صاحبان نسق زراعی در روستاها سبب کاهش سرانه زمین شده است و جامعه دهقانی خرده‌پا به منظور تأمین نیازهای معیشتی خانوار به منابع درآمد دیگر نیز روی آورده و با تنوع بخشی به منابع درآمد و تلفیق زراعی با دامداری، باغداری، تولید صنایع دستی، سهم‌بری در زمینهای دیگران، کارگری در بخش کشاورزی یا خارج از آن، مغازه‌داری و مانند آن نیازهای معیشتی خود را تأمین می‌کند. از این رو چند پیشگی در جامعه روستایی در حال گسترش است و این پدیده، اجرای طرح بیمه روستاییان را در مرحله شناسایی محدوده زیر پوشش و روستاییانی که باید زیر پوشش بیمه‌ای قرار گیرند، دشوار می‌سازد. بدین معنا که شناسایی و رجوع به روستاییان چندپیشه برای وصول حق بیمه دشوار به نظر می‌رسد. از این رو توصیه می‌شود در مرحله نخست اجرای طرح بیمه روستاییان، شاغلان در بخش کشاورزی که دسترسی به آنان امکان‌پذیر است به عنوان گروه هدف مورد توجه قرار گیرند. از سوی دیگر مطالعات انجام شده در سالهای اخیر حاکی از آن است که بیش از ۱۵ درصد خانوارهای روستایی کشور زیر خط فقر قرار دارند. از این رو در دریافت حق بیمه باید بنی و بضاعت مالی خانوارهای روستایی مورد توجه قرار گیرد و با پرداخت یارانه، فرصت قرار گرفتن زیر پوشش بیمه روستایی برای قشرهای آسیب‌پذیر روستایی بویژه خانوارهای واقع در زیر خط فقر فراهم شود. از جمله موانع رفتاری موجود بر سر راه اجرای طرح بیمه روستاییان، وجود عناصر خرده فرهنگ روستایی است. برخی از صاحب نظران مسائل جامعه دهقانی مانند «راجرز» و «فاستر» ضمن بحث پیرامون خرده فرهنگ‌های دهقانی به این نتیجه رسیده‌اند که در روند اجرای هرگونه برنامه روستایی باید باورها، اعتقادات، خلیات، روحیات و نگرش‌های افرادی را که این برنامه‌ها برای آنان اجرا می‌شود، مورد شناسایی قرار داد. بیشتر صاحب نظران توسعه روستایی بر این باورند که دهقانان با توجه به